

یادکردهای ایران‌شناختی در الکافی

سید مجتبی آقایی
مهدی حجت‌پناه

چکیده

در این نوشتار تلاش شده تا نمونه‌هایی از کاربرد احادیث در پژوهش‌های حوزه دین و فرهنگ ایرانی نمایانده شود. از این رو، به کتاب الکافی مراجعه شده و احادیثی که با مذهب ایرانیان در ارتباط بوده جمع‌آوری گردیده و تحلیل‌واره‌ای از آنها ارائه شده است. کلید واژه‌ها: فرهنگ ایرانی، آیین مجوس، مجوس در الکافی.

درآمد

گذشته از تواریخ مشهور و برخی از کتب ملل و نحل، سایر منابع اسلامی (همچون تفاسیر، کتب فقهی، منابع ادبی، حدیث، کتب لغت‌شناسی، سفرنامه‌ها و آثار جغرافی‌دانان، کتب فلسفی، انساب و مانند آنها) جایگاه چندانی در شناخت دین و فرهنگ کهن ایرانی نیافته‌اند؛ چه، بسیاری پیشاپیش چنین پنداشته‌اند که در این دسته از منابع، شواهدی که به کار پژوهش در حوزه مذکور بیاید، وجود ندارد. این امر در حالی رخ داده است که با مروری ساده می‌توان دریافت که انبوهی از شواهد ارزشمند در این دسته از منابع وجود دارد.^۱

از میان این منابع، «حدیث» مورد غفلتی مضاعف قرار گرفته است؛ چه، به علاوه، در نتیجه رویکرد سنتی – که بیش‌تر سودای درستی یا نادرستی «حدیث» را در سر دارد – کمتر کسی به این نکته التفات کرده که «حدیث»، باری گواهی‌مکتوب و مستندی است مقارن با دوره حساس انتقال از ایران زرتشتی به ایران اسلامی. بنا بر این، در مجموعه احادیثی که به دین و فرهنگ ایرانی ربطی دارند، به درستی، می‌توان به شواهدی دست یافت که هم چگونگی دین‌ورزی ایرانیان زرتشتی و هم چگونگی فرایندهای آن انتقال مهم را نشان‌گر باشند.^۲

۱. یکی از معدود پژوهش‌هایی که با تکیه بر معدودی از این منابع مغفول مانده، به انجام رسیده و ثمرات قابل توجهی هم داشته، کتاب تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی اثر دکتر محمد محمدی ملایری است.

۲. به علاوه، امروزه در نتیجه کوشش‌های برخی از پژوهشگران، کم‌کم آشکار شده است که باید به سیاق اسرائیلیات، برای زرتشتیات هم فکری کرد. یک نمونه جالب توجه در این چارچوب را می‌توانید در پژوهشی از «مهدی مهریزی» ببینید که در آن، نویسنده ارجمند ضمن توجه به واحد بودن خبر و نیز تردید در وثاقت روات آن، متن روایت را با بخشی از کتاب

در مقاله حاضر، کوشیده‌ایم با تمرکز بر یکی از مهم‌ترین کتب اربعه شیعی، یعنی *الکافی*، نمونه‌هایی از کاربرد احادیث در پژوهش‌های حوزه دین و فرهنگ ایرانی را گوشزد کنیم. البته به فراخور مجال اندکی که یک مقاله به دست می‌دهد، در اینجا جز درنگ و اشاره‌ای بر جان‌مایه آنچه در فوق گفته آمد، ممکن نیست. اما، بی‌گمان، عمق بخشیدن و نیز توسعه این مایه از پژوهش به سایر کتب حدیثی و همچنین سایر منابع مغفول مانده اسلامی، کاری است لازم که باید به مرور انجام شود.³

معاشرت با مجوس

در *الکافی* روایات زیادی درباره جنبه‌های مختلف معاشرت مسلمانان با مجوس وجود دارد که در درجه اول، نشان‌گر حضور گسترده ایرانیان زرتشتی در دل جامعه اسلامی تا قرن‌ها پس از فتح نظامی ایران است. به عبارت دیگر، این دسته از احادیث و تنوع موضوع‌های آنها، به وضوح مؤید شواهد تاریخی‌ای هستند که تغییر دین مردم ایرانی را فرایندی طولانی و توأم با تعامل پیچیده میان ایرانیان و اعراب معرفی می‌نمایند؛⁴ نمونه‌هایی از این دست از احادیث را برمی‌شماریم:

1. ظروف مجوس

سألت أباجعفر □ عن آتية أهل الذمة و المجوس فقال: لا تأكلوا في آتيتهم.⁵

2. طعام مجوس و هم غذا شدن با آنان

قلت لأبي عبد الله □: إني اخالط المجوس فأكل في طعامهم؟ فقال لا.⁶

3. صید مجوس

سألت أبا عبد الله □ عن صيد المجوسى للسمك حين يضربون بالشبك و لا يسمون كذلك اليهودى [...]..⁷

معراج‌نامه زرتشتی موسوم به *ارداویراف‌نامه* مقایسه کرده است. (رک: *نواندیشی دینی و مسأله زن*، ص 337-347)

۳. پیشاپیش باید خاطر نشان کنیم که در مجموعه ادبیات منابع اسلامی، واژه مجوس دارای دو معنای مرتبط به هم است: یکی، همچنان که مشهور بوده، مراد از آن ایرانیان پیرو دین زرتشت است و دو دیگر، همه اممی که درباره آنان شبهه اهل کتاب (یا پیامبر) وجود دارد. در عین حال، باید متذکر شویم که به ویژه در احادیث شیعی، مراد و منظور از مجوس، در اغلب موارد همانا ایرانیان پیرو دین زرتشت است، مگر در مواردی که بنا به محتوا یا قراین موجود در متن احادیث، معنای دوم مورد نظر بوده باشد.

۴. برخلاف آنچه که ممکن است بنا به عادت به ذهن متبادر شود، فرآیند انتقال از دوره ساسانی به دوره اسلامی، حتی قبل از فروپاشی دولت ساسانی (با مسلمان شدن ایرانیان یمن) آغاز شد و قرن‌های متمادی به طول انجامید. علاوه بر «تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی»، سه اثر مهم دیگری که برای درک این موضوع بسیار مفید هستند، عبارت‌اند از: ستیبر و سازش: زرتشتیان مغلوب و مسلمانان غالب در جامعه ایران نخستین سده‌های اسلامی؛ چالش میان زبان فارسی و عربی در سده‌های نخست؛ از ایران زرتشتی تا اسلام.

۵. ج 6، ص 264. همچنین درباره مصنوعات ساخته مجوس، رک: ج 6، ص 263.

۶. ج 6، ص 263. نیز رک: ج 6، ص 264 و 297

۷. ج 6، ص 218. نیز رک: ج 6، ص 217. همچنین درباره صید حیوانات به وسیله سگ مجوس، رک: ج 6، ص 208-209

4. اداء امانت به مجوس

أدوا الأمانات إلى أهلها وإن كانوا مجوسياً فإن ذلك لا يكون حتى يقوم قائمنا.⁸

5. قذف مجوس

كنت عند أبي عبدالله □ فسألني رجل ما فعل غريمك؟ قلت: ذاك ابن الفاعلة فنظر إلى أبو عبدالله □ نظراً شديداً. قال فقلت: جعلت فداك إنه مجوسي أمه أخته فقال: أو ليس ذلك في دينهم نكاحاً.⁹

6. ازدواج با مجوس

سألت أبا جعفر □ أيتزوج المجوسية؟ قال: لا.¹⁰

7. مظائره مجوسی

قال: سألته عن مظاهرة المجوسی؟ فقال: لا.¹¹

8. نماز خواندن در بیوت مجوس

لا تصل في بيت فيه مجوسی و لا بأس بأن تصلی و فيه یهودی أو نصرانی.¹²

9. مکاتبه با مجوس

سئل أبو عبدالله عن الرجل يكون له الحاجة إلى المجوس أو إلى اليهودی [...] فيكتب إليه الرجل في الحاجة العظيمة أيبدا بالعلاج و سلم عليه في كتاب [...] قال: أما إن تبدأ به فلا و لكن تسلم عليه [...] فإن رسول الله قد كان يكتب إلى كسرى و قيصر.¹³

چنان که گفته آمد، تنوع موضوع‌های روایات فوق، نشان از دلمشغولی‌های مسلمانان در روابط روزمره با زرتشتیان حی و حاضر دارد (نظایر این دلمشغولی‌ها را همچنان می‌توان در حشر و نشر مسلمانان یزد یا کرمان با همجواران زرتشتی‌شان ملاحظه کرد). در عین حال، این نکته هم گفتنی است که در مجموعه منابع روایی اهل سنت، نمی‌توان موارد مشابهی با آنچه در فوق نقل شد، یافت. اگر از این نکته بتوان نتیجه گرفت که گویا حشر و نشر با مجوس به صورت خاص، چندان مایه دغدغه اهل سنت نبوده است؛ آن‌گاه، احتمالاً می‌توان به روابط میان ائمه اطهار □ با ایرانیان، از منظری تازه نگریست.

عقاید مجوس

در «کافی» اشاراتی به برخی معتقدات مجوس وجود دارد که در جای خود، از حیث چگونگی انعکاس آن باورها در میان جامعه اسلامی، اهمیت دارد.

۸. (ج ۵، ص ۱۳۲)

۹. (ج ۷، ص ۲۴۰، نیز رک: همان، ص ۲۳۹)

۱۰. (ج ۵، ص ۳۵۷)

۱۱. (ج ۶، ص ۴۲ همچنین رک: ج ۶، ص ۴۳-۴۴)

۱۲. (ج ۳، ص ۳۸۹، نیز رک: ج ۳، ص ۳۸۷)

۱۳. (ج ۲، ص ۶۵۸)

1. کتاب و پیامبر

إِنَّ المجوس كان لهم نبي فقتلوه وكتاب أحرقوه ، اتاهم نبیهم بكتابه في اثني عشر ألف جلد ثور.¹⁴

2. ازدواج محارم

و إتهم يقولون : نكاح كنكاح ولد آدم و إتهم يحاجونا بذلك فقال: أما انتم فلا يحاجونكم به لما أدرك هبة الله قال: آدم يا رب زوج هبة الله فأهبط الله عزوجل له حوراء فولدت له أربعة غلمة ثم رفعها الله فلما أدرك ولد هبة الله قال: يا رب زوج ولد هبة الله فأوحى الله عز وجل إليه أن يخطب إلى رجل من الجن وكان مسلماً أربع بنات له علي ولد هبة الله فزوجهن فما كان من جمال وحلم فمن قبل الحوراء والنبوة وما كان من سفة أو حدة فمن الجن.¹⁵

دو روایت فوق، از این حیث اهمیت دارد که احتمالاً متضمن عقاید ابراز شده توسط خود زرتشتیان به مسلمانان است: روایت اول، با آنچه در منابع زرتشتی و تاریخی راجع به کشته شدن زرتشت و کتابت اوستا آمده قابل مقایسه است؛ و روایت دوم، متضمن استدلالی است که احتمالاً زرتشتیان در دفاع از ازدواج محارم بیان می‌کرده‌اند. از همین رو، بررسی صحت این دو روایت به همان سیاقی که در پاورقی شماره 2 مورد اشاره قرار گرفت، ارزش‌مند تواند بود.

مجوس و سایر اهل ذمه

برخی از احادیث الکافی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، نمایان‌گر جایگاه برابر مجوس با یهودیان و مسیحیان در چشم‌انداز مسلمانان است. با این وصف، مضمون برخی روایات به گونه‌ای است که مجوس را به معنای واقعی کلمه و همچون یهودیان و مسیحیان اهل کتاب نمی‌داند بلکه آنان را ملحق به اهل کتاب می‌شمارد. بر همین منوال، برخی احادیث الکافی شامل نشانه‌هایی مبنی بر رتبه نازل‌تر مجوس به نسبت سایر اهل کتاب است. اهمیت این دسته از احادیث در شیوه سلوک جامعه اسلامی با مجوس و نیز درک فرآیند انتقال از ایران زرتشتی به اسلام است:

1. دیه مجوس

دية اليهودی و النصرانی و المجوسی ثمانمأة درهم.¹⁶

2. الحاق مجوس به اهل کتاب در موضوع جزیه

[...] سن فی المجوس سنة أهل الكتاب فی الجزية.¹⁷

3. استرضاع صبی

لا تسترضعوا للصبي المجوسية و استرضع له اليهودية و النصرانية.¹⁸

۱۴. (ج 3، ص 567)

۱۵. (ج 5، ص 569)

۱۶. (ج 7، ص 309. نیز رک: همان، ص 310)

۱۷. (ج 7، ص 4. نیز رک: ج 5، ص 24 و ج 3، ص 567)

3. قصاص مجوسی

امیرالمؤمنین علیه السلام کان یقول: تقیص النصرانی و الیهودی و المجوسی بعضهم من بعض [...] ¹⁹

3. ارث مجوس

إنَّ أهلَ الكتاب و المجوس یرثون و یرثون میراث الاسلام من وجه القرابة التي تجوز فی الاسلام. ²⁰

نام‌های فارسی در حدیث

در *الکافی* علاوه بر نام شهرها، از برخی شخصیت‌ها، اشیاء، حیوانات، غذاها و مانند آنها هم با نام فارسی یاد شده یا برای نام‌های فارسی، واژه‌های معادل عربی به کار رفته است. وفور این نام‌ها، شاهدهی است بر روند تعامل میان دو فرهنگ ایرانی و اسلامی که مسلماً یک‌سویه نبوده است. در عین حال، مهم‌تر از این امر، وجود الفاظ فارسی در متن روایات منقول از ائمه اطهار یا تأکید بر تکلم آنان به زبان فارسی است که بدون تردید در چارچوب تعامل تاریخی میان دو زبان فارسی و عربی اهمیت دارد. برخی از واژه‌های مذکور از این قرارند:

باقالی و لوبیا (ج6، ص344)، موز (ج6، ص360)، ماش (ج6، ص344)، کرفس (ج6، ص396)، بادنجان (ج6، ص372)، خز و ابریشم (ج6، ص442 و 451 و 452)، زنجبیل (ج6، ص425 و 426)، سکنجبین (ج6، ص426)، ماست (ج6، ص338)، کتان (ج6، ص449)، فاخته (ج6، ص551)، دسکره (ج6، ص252)، خوان (ج6، ص292)، بخور (ج6، ص519)، طشت [تشت] (ج6، ص291)، القباچ [کبک] (ج6، ص312)، النار باجه [آش انار] (ج6، ص316)، الجفنه [سفره] (ج6، ص327)، سفت [سید] (ج6، ص457)، فیروز (ج6، ص472) و ...

ناگفته پیداست که مواردی از قبیل آنچه در فوق مورد اشاره قرار گرفت، یکی از راه‌های نفوذ زبان فارسی در عربی است که از قرار، تاکنون مورد توجه پژوهندگان عرصه ادبیات قرار نگرفته است.

راویان ایرانی

شماری از احادیث *الکافی* به راویان ایرانی یا ایرانی‌تباری تکیه دارد که اگر نه خود نومسلمان، لاقلاً اجدادشان زرتشتی بوده‌اند. شاید پس‌زمینه‌های فکری و پیوندهای روزمره این راویان با خویشان و ایرانیان زرتشتی، سبب‌ساز طرح بسیاری از پرسش‌ها درباره مجوس بوده باشد. نیز، چه بسا که با تامل در

۱۸. (ج6، ص44)

۱۹. (ج7، ص309)

۲۰. (ج7، ص145)

متن احادیث ضعیف، بتوان به تأثیرات احتمالی راویان نومسلمان در خلق آنها پی برد. نام برخی از راویان مذکور از این قرار است:

«علی بن محمد قاسانی»، «لوح بن شعیب نیشابوری»، «علی بن محمد هرمزانی»، «علی بن مهزیار»، «عبیدالله بن دهقان بن درست»، «زکریا بن آدم»، «ابراهیم بن محمد همدانی»، «احمد بن اسحاق رازی»، «علی بن محمد بن بندار»، «عمار سیستانی»، «مرزبان»، «فتح بن یزید جرجانی»، «سلیمان الدیلمی»، «ابوالحسن الاصبانی»، «محمد بن ولید کرمانی»، «محمد بن مخلد الاهوازی» و «عثمان الاصبهانی».²¹

موارد دیگر

در *الكافی* احادیث پراکنده دیگری هم وجود دارد که با بررسی و تحلیل هر یک در کنار شواهد دیگر، می‌توان به نتایج ارزش‌مندی دست یافت:

1. شطرنج

سنل عن الشطرنج فقال: دعوا المجوسية لأهلها لعنها الله.²²

2. شرب خمر

قضى امير المؤمنين □ أن يجلد اليهودى و النصرانى فى الخمر و النبيذ المسكر ثمانين جلد و .. كذلك المجوسى و لم يعرض لهم إذا شربوها فى منازلهم و كنائسهم.²³

3. جشن‌های ایرانی

سألت أبا عبد الله □ عن الرجل تكون له الضيعة الكبيرة فإذا كان يوم المهرجان أو النيروز أهدوا إليه الشيء ليس هو عليهم ليتقربون بذلك إليه فقال: أليس هم مصلين؟ قلت: بلى. قال: فليقبل هديتهم وليكافهم.²⁴

4. قدریه و مجوس

[...] تلك مقالة إخوان عبدة الأوثان و خصماء الرحمن و حزب الشيطان و قدرية هذه الذمة و مجوسها.²⁵

5. علم نجوم و ایرانیان

قال: إن الله بعث المشتري إلى الأرض فى صورة رجل فأخذ رجل من العجم فعلمه النجوم [...].²⁶

۲۱. (رک: ج ۵، ص ۲۱۰ و ۲۱۱ و ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۳۲۸ و ۳۳۰ و ۳۹۹ و ۲۳۸: ج ۶، ص ۲۳۸ و ۲۵۸ و ۳۰۷ و ۳۳۰ و ۳۳۶ و ۵۰۹ و ۵۱۶ و ۵۵۰ و ۵۵۱)

۲۲. (ج ۶، ص ۴۳۷)

۲۳. (ج ۷، ص ۲۳۹)

۲۴. (ج ۵، ص ۱۴۱)

۲۵. (ج ۱، ص ۸۸)

۲۶. (ج ۸، ص ۵۲۷)

6. همسانی عرب و عجم
فالناس كلهم ابيضهم و أسودهم و قریشهم و عربیهم و عجمهم من آدم.²⁷
7. دهقان
[...] و هو رجل من الدهاقين عاملاً على الأهواز و فارس.²⁸
8. زندقه
من أفكر في ذات الله تزندق.²⁹
9. دهريه
فأما الكفر الجحود فهو الجحود بالربوبية و هو قول لارب و هو قول صنفين من الزنادقه يقال لهم الدهرية.³⁰
10. وصيت مجوسي
كتب الخليل بن هاشم إلى ذي الرياستين و هو والي نيسابور أنّ رجلاً من المجوس مات و أوصى للفقراء بشيء من ماله فأخذه قاضي نيسابور فجعله في فقراء المسلمين [...].³¹
11. عدم تشبه به مجوس
إذا قسمت في الصلاة [...] و لا تبعث فيها بيدك فإنما يفعل ذلك المجوس.³²
12. اهل بيوتات
عن أبي عبدالله [] قال: والله لا يحبنا من العرب و العجم إلا أهل البيوتات و الشرف و المعدن [...].³³
13. نرجس
سمعت أبا عبدالله ينهى عن النرجس. فقلت: جعلت فداك لم ذلك؟ فقال لأنّه ريحانة الأعاجم.³⁴

۲۷. (ج ۵، ص ۳۴۰)

۲۸. (ج ۲، ص ۴۳۵. نیز رک: ج ۵، ص ۲۶۹ و ۲۷۱ و ۲۸۲)

۲۹. (ج ۸، ص ۶۸۲. همچنین رک: ج ۱، ص ۹۴ و ۱۳۷ و ج ۶، ص ۴۳۵ و ج ۷، ص ۲۵۷)

۳۰. (ج ۲، ص ۵۲۹)

۳۱. (ج ۷، ص ۱۶)

۳۲. (ج ۳، ص ۲۹۹. همچنین: قال لا تقطعوا الخبز بالسكين و لكن اكسروه باليد و خالفوا العجم،» (ج ۶، ص ۳۰۴))

۳۳. (ج ۸، ص ۳۱۶)

۳۴. (ج ۴، صص ۱۱۲)

نتیجه

آنچه در این مختصر بیان شد، گزارشی بود از برخی دستاوردهای کنکاش در یک کتاب کلاسیک روایی مانند *الکافی*، برای استخراج شواهدی که در پژوهش‌های مربوط به دین و فرهنگ ایرانی قابل استفاده‌اند. بی‌گمان، همراه کردن این شواهد با گزارش‌های تاریخی و آگاهی‌هایی که از سایر منابع به دست می‌آید، به علاوه، ارزیابی دقیق اسناد «حدیث»، عرصه نوینی در پژوهش‌های ایران‌شناسی را به ارمغان خواهد آورد.

کتابنامه

- *از ایران زرتشتی تا اسلام*، شاول شاکد، ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس، 1381ش.
- *تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی*، محمد محمدی ملایری، تهران: انتشارات توس، 1379ش.
- *چالش میان زبان فارسی و عربی در سده‌های نخست*، آذرتاش آذرنوش، تهران: نشر نی، 1385ش.
- *ستیز و سازش: زرتشتیان مغلوب و مسلمانان غالب در جامعه ایران نخستین سده‌های اسلامی*، جمشید گرشاسپ چوکسی، ترجمه: نادر میرسعیدی، تهران: ققنوس، 1387ش.
- *نواندیشی دینی و مسأله زن*، مهدی مهریزی، قم: صحیفه خرد، 1387ش.